

خزینة آمو دریا

به گفته « مارتین لوتر کینگ جونیور »: تا خم نشوید، کسی نمی تواند سوارتان شود. ما نیز تا اصل ، تبار ، ریشه و هویت ملی ، فرهنگی و فرآورد های باستانی و ارزشهای تاریخی ، و معرفت علمی نیاکان خویش که غرور ما را می سازد - ندانیم و از بازشناسی آنها غافل باشیم برای همیشه سر خم ، رعیت حاکمیت سیاسی ستمگستر بادیه نشینان باقی خواهیم ماند .

شناخت عینی از گوهر های هویت تاریخی و فرهنگی گمشده ، تجارب دولرداری و رهبری سیاسی نیاکان ، ما را غرور و اعتبار و عزت و اراده می بخشد . ما بایست با چشم بصیرت و با احساس درونی و خونی قدر و منزلت این گوهرهای هویت تاریخی را بدانیم . و تعمیر جامعه متمدن و آزاد و متعادل حقوق و عاری از هر نوع ستم ملی را بر شالوده این فرهنگ گرانسنگ انسانی اعمار نمائیم . و همبستگی و خود فرمانی ملی را جاگزین فرهنگ بادیه نشینی و بیگانه پرستی سازیم .

پیروی از فرهنگ های بیگانه و غیر متعارف در حقیقت دشمنی آشکار با هویت تاریخی و فرهنگی و عزت و افتخارات بومی این سرزمین است . برای دفاع و احیاء هویت ملی و نهادینه سازی این افتخارات فقط مبارزه عقلانی و مقاومت همگانی علیه هرگونه سیاست های فرهنگ ستیز حاکمیت سیاسی توتالیتر یگانه راه چاره هست و بس .

سرزمین ما پراز افتخارات فرهنگی و علمی و حکمت و ادب و عرفان است . ما میراث دار هزاران سال تجربه دولت داری تاریخی می باشیم .

در این سرزمین بود که برگزید گانی همچو :

کیومرث پادشاه ، دلاوری و خود ارادیت را به انسان آموخت ، و جمشید پادشاه حق شناسی انسان و حق دادی را آغاز کرد و زیرساخت های دولت داری را برای انسان های قدیم اساس گذاشت ، کاوه آهنگر بابلند کردن درفش (کاویانی) عشق خودفرمانی ملی و خود ایستایی و وطن پرستی را نهادینه ساخت ، زرتشت سپنتمان پیامبر آریایی های قدیم : کردار نیک ، پندار نیک ، گفتار نیک که تبلوری از ارزش شناختی حرمت انسان است - را به جهان بشریت پیام آورد که اندیشه وی سنگ پایه تیوریک فلسفه انسانگرایی و هومانیزم نوین گردید ، کوروش بزرگ فرمان صلح را به جهان بشریت تقدیم نمود و نظام انسانگرایی و کثرت گرایی اندیشه و فرهنگ را تهداب گذاشت که امروز جهان غرب صنعتی دوباره آنرا تحت نام دموکراسی با قیمت گران برای ما می فروشد .

حضرت امام اعظم ابوحنیفه: حق رای و قیاس ، حق آزادی زن در عقد ازدواج در دین مقدس اسلام را تفسیر کرد و تعادل حقوق و انتخاب را در مسیر ایجاد حرمت گذاشتی به

تشکیل خانواده به ارمغان آورد ، رودکی بزرگ و فردوسی بزرگ و زکریایی رازی و ابن سینا بلخی ، شکور بلخی ، و محمد غزالی ، فارابی ، و ابوریحان بیرونی ، ابوسعید ابی الخیر ، خاقانی شروانی ، سنایی غزنوی ، عطارنیشابوری و مولانای بزرگ ، عمر خیام ، سعدی و جامی ، حافظ و بیدل و هزاران هزار حکیم و ادیب و عالم و شاعر و هنرمند ، صنعت گر و فرساخت آور معرفت و حکمت و علم و شعر و ادب و اخلاق انسانی را ابداع کردند. و با ارزشهای آگاهمند چندین بُعدی حیات - گنجینه معرفت این سرزمین زران دوخته دانش سرا را غنای تر ساختند .

تاریخ خویش را باید شناخت . با آموزش تاریخ نیاکان ، ما میتوانیم موقعیت اجتماعی ، سیاسی و حقوقی و علمی خویش را در عرصه ملی و بین المللی مشخص سازیم . امروز جوانان ما علاقه مند به ریشه شناسی اصل خویش اند . و این روند نوپای خود شناسی را با نیروی عقلانی تقویت و تکامل بخشید . ازینرو آگاهان رسالت دارند تا معرفتی را که در مورد ریشه شناسی اصل اصیل تاریخ و فرهنگ حقیقی سرزمین آریان و خراسان وجود دارد بی آلیشانه به نسل نونگر تقدیم نمایند .

اگر ما تاریخ سخت جان حیات فرهنگی و علمی زبان فارسی را مطالعه نمائیم دیده می شود که مهاجمان پیوسته تلاش کرده اند تا زبان و فرهنگ این سرزمین را محو نمایند . تاریخ مبارزات سیاسی فارسی ستیزی تازی ها در سرزمین آریان و خراسان تاریخ مبارزات سیاسی فارسی ستیزی انگلیس در هند قدیم ، تاریخ مبارزات سیاسی فارسی ستیزی حزب بلشویک شوراهای در آسیای میانه ، تاریخ مبارزات سیاسی فارسی ستیزی حاکمان شوونیزم قبیله افغان و بویژه محمود طرزی و امان الله خان ، و خاندان آل یحیا در کشور ما و همچنان سیاست سنجیده شده فارسی ستیزی و افغانیزه سازی تیم کرزی در مدت ده سال اخیر ...

همه درسهای زنده تاریخی ایست که نسل جوان آنرا خوب بداند و علیه هرگونه نیروی ایکه سیاست فارسی ستیزی و فرهنگ ستیزی را طرح و تحقق می بخشند مبارزه عملی ، بی امان و آشتی ناپذیر نمایند .

بالین بصیرت بوده و هست که ما مصروف بازشناسی ابعاد مختلف فرهنگ و فرآورد های تاریخی و تجارب دولت داری نیاکان بومی خود می باشیم .

باآموزش علمی از تاریخ باستانی سرزمین پدری مان در تدقیق و تحقیق:
کتاب : " پادشاهان آریایی (سلسله پادشاهی دودمان تاجیکان و پارسها در پنجهزاره اخیر) " نوشته این قلم - برایم دست داد میتوان اذعان کرد که اقوام آریایی نژاد : اعم از تاجیکان ، مادها و پارسها هرکدام بترتیب ذیل در روند پنجهزاره اخیر افتخار رهبری شاهنشاهی ای را در سرزمین آریان و خراسان بزرگ بعهده داشته اند . که از آن جمله :

یک - بار خاندان مادهای آریایی : به رهبری « دیاکو » (از 708 تا 550 میلادی .

دوران 158 سال) حکومت نمودند .

دوبارپارسهای آریایی :

یک - شاهنشاهی هخامنشیها، اولین سلسله دودمان پارسها به رهبری « کوروش بزرگ » . (از 550 تا 330 پیش از میلاد . دوران 220 سال)

دو - شاهنشاهی ساسانیان ، دومین سلسله دودمان پارسها (از 224 تا 631 میلادی . دوران 407 سال) .

در فرآیند این سلسله - هشت بار دودمان تاجیکان افتخار رهبری این سرزمین پهناور را که حدود جغرافیایی سیاسی آن از مصر شروع وبه هندوستان انجام می پذیرفت را به عهده داشت که بطور ذیل این سلسله عبارت اند از :

اول - پادشاهی پیشدادیان بلخ ، اولین سلسله دودمان تاجیکان به رهبری « کیومرث » (از هزاره چهارم تا هزاره سوم پیش از میلاد. دوران 2556 سال)

دوم - پادشاهی کیانیان بلخ ، دومین سلسله دودمان تاجیکان به رهبری « کیقباد » (از هزاره دوم تا هزاره اول پیش از میلاد . دوران حدود زیاده از 300 سال)

سوم - شاهنشاهی اشکانیان (پارتها) ، سومین سلسله دودمان تاجیکان به رهبری « اشک یکم » . (از 250 پیش از میلاد تا 226 میلادی . دوران 476 سال)

چهارم - شاهنشاهی کوشانیان ، چهارمین سلسله دودمان تاجیکان به رهبری « کجولا کدفزس و کنیشکا » . (از 78 تا 220 میلادی . دوران 142 سال)

پنجم - شاهنشاهی طاهریان ، پنجمین سلسله دودمان تاجیکان به رهبری « طاهر فوشنگی » . (از 820 تا 872 میلادی . دوران 52 سال)

ششم - شاهنشاهی صفاریان ، ششمین سلسله دودمان تاجیکان به رهبری « یعقوب لیث صفار » . (از 868 تا 903 میلادی . دوران 36 سال)

هفتم - شاهنشاهی سامانیان ، هفتمین سلسله دودمان تاجیکان به رهبری « اسماعیل سامانی » . (از 874 تا 999 میلادی . دوران 125 سال)

هشتم - شاهنشاهی غوریان ، هشتمین سلسلهٔ دودمان تاجیکان به رهبری « علاالدین حسین » .

(از 493 تا 612 ه.ق. دوران 119 سال)

تاجیکان با سایر ملیت های غیر آریایی در سرزمین آریان و بویژه خراسان بزرگ سبب ساز تمدنی عظیمی گردیدند که مایه سربلندی و شایسته سالاری همه شهروندان و باشندگان این خطه ای باستانی می باشد .

مادر این بخش به شرح گونه های از فرساخت های صنعت دستی « خزینه آمودریا » که قلم عمده از افتخارات فرهنگی و تاریخی حیات باستانی تاجیکان را می سازد مبادرت می ورزیم .:

خزینهٔ آمو دریا مجموعه ای شامل زیاده از یک ونیم هزارسکه های طلا و صد و هشتاد عدد مصنوعات سیمین وزرین از دوران عهد قدیم تاریخ فراموش گشتهٔ تاجیکان بوده و پیام آور فرساخت آوری هزار ساله های دور از شاه اثر های ناب و بی مثال افزارمندان نیکان باختری عهد قدیم ما می باشد .

این شاه اثر های بی مانند را در سال 1877 میلادی از ساحل راست پستاب دریای آمو درکناره محل تلاقی دو دریای و خش و پنج دهقانان پیدا کرده اند .

برحسب تصادف : وضیع الدین ، شکور علی و غلام محمد تاجران بخارایی ، در این وقت بمقصد تجارت از عبور گاه دریا آمو گذشته بسوی هندوستان رهسپار بودند. از خبربازیافت خزینهٔ آمودریا آگاهی یافتند و آنرا با نرخ مناسب از صاحبان محل خریداری نمودند .

تاجران همه اشیای نادرو زیورآلات طلایی را در انبانهای چرمی جای داده ، و راه بازارصرافان و عتیقه فروشان بلاد هندوستان را پیش گرفتند .

در راه سفر انبانهای چرمی پر از زر تاجران را بادیه نشینان قبیلهٔ غلزای افغان غارت نمودند . سوداگران از غارت شدن مال ایشان خیلی پریشان حال و متأثر گردیدند .

آنها برای بازگردانیدن مال خویش از نزد غارتگران ، از کاپیتان انگلیس ف. بارتون مدد خواستند .

بقول ف. بارتون " موافق شهادت وضیع الدین در انبانهای چرمی غیراز تنگه های طلایی وزیورآلات پر نقش و نگار ، باز ظرف های طلایی ، پیکره های خرد طلایی و نقره گین ، مجسمه های بت و صنمها ، گردن بند و دستپانه های پر نقش وطلایی محفوظ بوده اند .

افسرانگلیس از رهبررا هزنان بازگردانیدن اشیای خزینه را طلب می کند .

وی همراهی سربازان مسلح به غاری می رود ، که مکان نهانی این تاراجگران بادیه گرد بوده است . راهزنان یک قسمتی از اشیای به غارت برده را به صاحبانش برمی گردانند ،

ولی تاجران از مقدار مال باز گشته قناعت مند نمی گردند .

سرانجام کار بجای رسید که کپیتان بارتون راهزنان را تهدید می کند که در صورت بازنگرداندن اشیای کامل **خزینه آمو دریا** وی زن و فرزندانش را بقتل خواهد رساند . در نتیجه تاراجگران باز قسمتی از غنیمت‌های ربوده شده را برمی گردانند و تا امروز معلوم نیست ، که از آثار « **خزینه آمو دریا** » در دست این قوم یغما پیشه بادیه گرد چه مصنوعات آرایشی مانده و منبهد آنها کجا شده است .

تاجران بخارایی به کپیتان بارتون برای پشتیبانی و شجاعتش دستپانۀ طلایی را تقدیم نموده ، و راه بازار قدیمه شهر راولپندی را پیش می گیرند . عاقبت با مدد میانه روی صرافان هندو این گنجینه بی بهای **نیاکان تاجیک** باقیمت نه چندان گران به دست ژنرال سرتیپ انگلیس ا. کاننهم ، کارمند موزه بریتانیا آ. او فرینکس و رئیس راه آهن هندوستان آ. گرانت افتاد .

بهمین طریق « **خزینه آمو دریا** » از مکان ازلی خویش بیرون رفته ، در هندوستان به دست مخلصان آثار عتیقه می افتد زیب و شکوه موزه پرآوازه بریتانیا می گردد . "



کالسکه طلایی از خزینهٔ آمو دریا ، (که در نزدیکی آمودریا سرزمین باستانی باختر کشف شده است). و در موزیم بریتانیا نگهداری می شود

**Oxus chariot model. Length- 18.8, weight-80.67
The British Museum**



دست بند طلایی از خزینهٔ آمو دریا ، (که در نزدیکی آمو دریا سرزمین باستانی باختر
کشف شده است . و در موزیم بریتانیا نگهداری می شود

Gold griffin – headed armlet.
Height . 12,3 wiath – 11.5, weight 364 .17
The British Museum



سر طلا ارتفاع 11.3، وزن - 235.47
از خزینه آمودریا

**Gold head Height- 11.3, weight – 235.47
The British Museum**



سکه های طلایی ، از خزینه آمودریا

Gold Coins

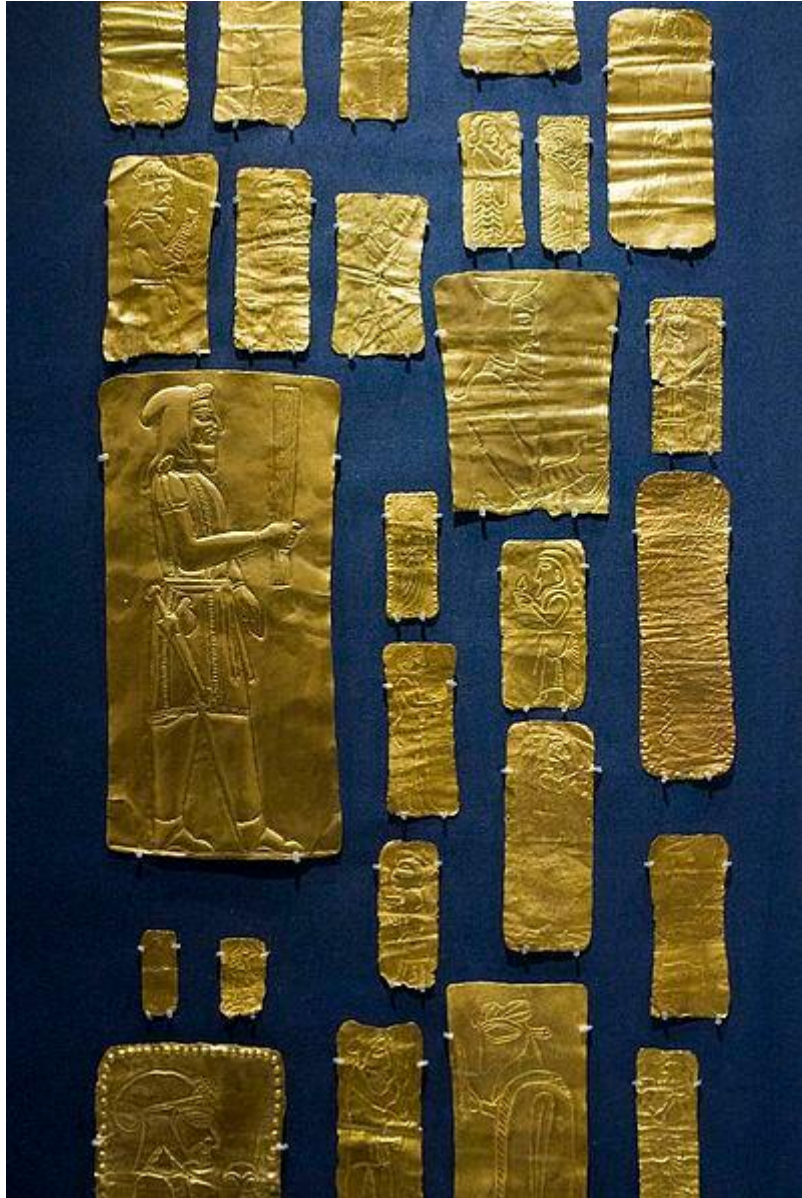
The British Museum



بازیگران تندیس نقره ای . ارتفاع 29.2 -وزن 1832 -
از خزینه آمو دریا

**Cast silver sttatuette . Height – 29.2,
weight – 1832**

The British Museum



لوحه های طلا ، از خزینه آمودریا

Gold Plaques

The British Museum



سپاهیان طلا، از خزینة آمو دریا

Golden Guards
The British Museum



ماهی طلا ، از خزینة آمودریا

Gold Fish

The British Museum



سر طلا ، از خزینه آمودريا
Head gold
The British Museum



ظروف طلا ، از خزینه آمودریا
Containers gold
The British Museum



اشیایی طلایی ، از خزینه آمودریا

**Gold objects
The British Museum**

جهت معلومات بیشتر رجوع شود به منابع :

-
- " پادشاهان آریایی (سلسله پادشاهی دودمان تاجیکان و پارسها در پنجهزاره اخیر)"، دکتر بصیر کامجو . 250 - 260
 - تاجیکان در آئینه تاریخ از " آریان تا سامانیان " ، امام علی رحمان ، ص 27 - 31 .
 - (Emomali Rahmon The Tajiks in the Mirror of History, Volume one , From The Aryans To The Samanids , s 27 – 31 .)
 - Tajik Arts and Crafts : through centuries The Oxus Treasure. , Hamrokhon Zarifi -)
 - (The Minister of Foreign Affairs of the Republic of Tajikistan, s 335-347 .)